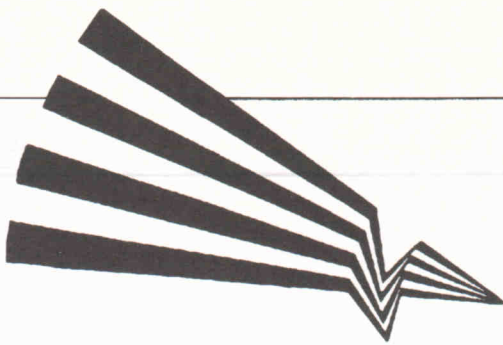


## مؤلفه‌های توسعه پایدار و ...



از آن و بویژه رعایت اصول توسعه پایدار و حفظ تنوع زیستی یعنی حفظ طبیعت و تلاش در جهت گسترش فرهنگ آن، معیارهای اساسی برای ارزیابی رشد جوامع به شمار می‌آیند. براساس همین زمینه بنیادی است که بسیاری بر این باور هستند که نسلهای آتی در ورای آنچه امروزه بر جهان می‌گذرد، این نیک‌بختی و شانس را خواهند داشت که در گستره روابط موزون‌تری با طبیعت و فضای فرهنگی روشن‌تری از نظر حفاظت از طبیعت قرار گرفته، دنیای به نسبت بهتری در مقایسه با نسل ما خواهند داشت.

در دنیای امروز، توسعه پایدار و حفظ محیط زیست، به عنوان دو فراز و هدف ارزشمند، یگانگی بوم‌شناختی طبیعت و جامعه را نه تنها در سطح کشورها بلکه در سطح کره مسکونی مد توجه قرار داده‌اند. این امر به این معناست که کشورها به دور از مرزهای قراردادی و خط کشی‌های سیاسی، توسعه پایدار، حفاظت از محیط زیست، موجودیت تنوع و غنای فرهنگی را برای بالندگی جوامع ضروری و حتی حیاتی می‌دانند.

واقع این است که تفکر زیست محیطی فعلی، می‌تواند بسیاری از آمال و آرزوهای بشری را محقق سازد. این امر سخت پرفراز و نشیب است و ممکن نخواهد بود مگر از طریق ترویج و نشر گسترده و مستمر فرهنگ زیست محیطی در میان اقشار مختلف جامعه؛ چرا که مسائل زیست محیطی امروزه دامنه وسیعی یافته از حد مسائل فنی گذشته، عمیقاً دارای مفهوم اجتماعی هستند.

به هر روی، دستیابی به مفهوم توسعه پایدار در کنار حفاظت از محیط زیست، وظیفه خطیری است که بر عهده سازمانها، نهادها، مسؤولان، محققان و کلیه افراد دست‌اندرکار مسائل توسعه و محیط زیست گذاشته شده است. در این مسیر و با هدف دست یافتن به هدفمندی پایداری توسعه، توجه به چند نکته زیر ضرورت می‌یابد:

۱- تلاش در جهت تمرکز بر رشد اقتصادی به عنوان وسیله‌ای برای زدودن فقر و پایداری زیست محیطی؛

۲- تشخیص و تعیین ناسازگاریها و کمبودهای نظری و عملی اقتصادی، بخصوص مواردی که با موضوعهای زیست محیطی سر و کار دارد. در تجزیه و تحلیل اقتصادی، بهتر است حرکت به سمت بررسی تأثیرات سیاستهای متفاوت پایداری بر روی سیستم‌های مختلف اقتصادی شود؛

۳- پذیرفتن وجود علت‌های فرهنگی، ساختاری و فن‌آورانه‌ای، فقر و تباهی زیست محیطی، توسعه روشهایی برای تخمین اهمیت نسبی واکنشهای میان این علتها تحت شرایط ویژه و کشف راه‌حلهای بنیادی و آموزشی، سیاسی و...؛

۴- درک ابعاد چندگانگی پایداری و تلاش در جهت توسعه مشخصه‌ها و خصوصیات برای آنها؛

۵- تلاش در جهت دستیابی به این نکته که چه الگوها و سطوح تقاضای منابع و استفاده از آنها می‌تواند با اشکال مختلف یا سطح بوم‌شناختی و پایداری اجتماعی دیدگاههای متفاوت برابری و عدالت اجتماعی سازگاری و هماهنگی داشته باشد.

ادبیات توسعه، امروزه مشحون از واژه پایداری است: توسعه پایدار، توسعه انسانی پایدار، محیط زیست و توسعه پایدار و ... مفاهیمی که دل‌مشغولی بسیاری از کارشناسان امور توسعه و مسؤولان کشورها را به خود معطوف داشته، آنان را به تأمل و در مواردی، همفکری واداشته است.

مفهوم توسعه پایدار، در طی سالهای دهه ۱۹۸۰ و از زمانی که اتحادیه بین‌المللی برای حفاظت از منابع طبیعی، و با هدف کلی دستیابی به توسعه پایدار از طریق حفاظت از منابع حیاتی (زنده)، یک راهبرد جهانی را ارائه کرد، مورد توجه قرار گرفت. در پی آن در نشستها و گزارشهای مختلفی چون: گزارش کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه معروف به گزارش برانتلند و نیز در کنفرانس سازمان ملل متحد در زمینه محیط زیست و توسعه که در سال ۱۹۹۲ در شهر ریودوژانیرو برزیل برگزار گردید و به اجلاس زمین معروف شد توسعه پایدار توجهات جهانی را به خود معطوف داشت. شرکت‌کنندگان در اجلاس زمین، مهمترین اهدافی را که از طریق مفهوم توسعه پایدار می‌توان دنبال نمود، چنین مورد تأکید قرار دادند:

۱- تجدید حیات و تغییر کیفیت رشد اقتصادی ۲- برآورده ساختن نیازهای ضروری نظیر غذا، شغل، انرژی، آب و اقدامات بهداشتی ۳- اطمینان یافتن از یک سطح پایداری از جمعیت ۴- محافظت از منابع طبیعی و ارتقاء منابع ۵- جهت‌گیری مجدد دانش فنی و اداره (مدیریت) خطرپذیر ۶- محیط زیست و تصمیم‌گیری اقتصادی ۷- جهت‌گیری مجدد روابط اقتصادی بین‌المللی و ۸- اقدام در جهت مشارکتی ساختن توسعه.

در پی این اقدامات، برنامه‌های بین‌المللی حفاظت از محیط زیست همچون: برنامه محیط زیست ملل متحد (UNDP) و اتحادیه بین‌المللی حفظ طبیعت (IUCN) در صدد گسترش و بسط مفهوم پایداری برآمدند. مفهوم مکمل برای امر توسعه پایدار، توجه به جنبه‌های زیست محیطی و حفاظت از منابع زیستی-محیطی است که بسیاری از متفکران و صاحب‌نظران امور توسعه بر سلامت آن تأکید دارند.

افزایش جمعیت و یا به عبارتی، انفجار جمعیت از جمله عواملی است که همراه با گسترش صنایع و تکنولوژیهای پیچیده امروزی، عدم تبادل ساختاری، شکل‌گیری بنیان‌های اقتصادی و اجتماعی نامناسب را پی ریخته است. بشر برای پاسخگویی و ارضای نیازهای حداقل جمعیت در حال گسترش سریع، مجبور است هر روز بیشتر از پیش به استثمار زمین‌های کشاورزی بپردازد، با استفاده از تکنولوژیهای پیچیده و در حال تکامل به استخراج معادن مبادرت کند و با استفاده گسترده از سوختهای فسیلی در ماشینهای مختلف، انرژی مورد نیاز تولید و خدمات را فراهم کند. از سوی دیگر، عواملی چون: از میان رفتن جنگلهای قاره‌ای، افزایش دی‌اکسیدکربن در هوا، از بین رفتن لایه ازن، گرم‌شدن کره زمین، بارانهای اسیدی و آلودگی اقیانوسها و آبهای زیرزمینی در سالهای اخیر اندیشه بشری را به سوی یافتن راه‌حلهای همگانی و جهانی سوق داده است.

مبتنی بر چنین توجهاتی به مسأله مهم حفظ محیط زیست و دستیابی به توسعه پایدار، امروزه، فرهیختگی جوامع، دیگر بر میزان معیارهای گذشته ارزیابی نمی‌شود. در حال حاضر، میزان پایداری جوامع به مسائل زیست محیطی و حفاظت